

# دانشگاه کاشان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

## پایان نامه

برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی

زبان و ادبیات فارسی

## عنوان:

توصیف و تحلیل جنبه‌های اخلاقی و تربیتی شعر دوره‌ی مشروطه

استاد راهنما:

دکتر رضا روحانی

استاد مشاور:

دکتر رضا شجری

پژوهشگر:

محمد علی نظام‌زاده اژی‌ه

تقدم :

روح پاک ررم . مرا ازی ام را آرزوی د.

ما م رون دعاش م.

و مرو زرام با بی ن و کلات ساندو واره و م و در

اون وقتی حال ستوان ق اجام رید و دض و دام از بی رولاری مرا گلش

آن یاری در و هزاتاد مرم را ماناب آ می دمرضاروحان و اتاد مرم شاور ناب آ می دمرضای ا

دباری، را مان و شاوره می خاصی آن وو، نأ و حال ق ر پاس لری و ردان مام.

از دیا اسایدار ند وه زبان و ادیت ر ق دا هکاشن با بی صدرز او پا خوبی نده و در رازو

اسا رازاشان آ و م و یازر شان دادم ناب آ می دمریدم درا و، ناب آ می دمرمدی ق و ناب آ می

د مرعمرضا ولادی ق م.

ن از ناب آ می ق میان رون م دا ق، ق از نلح را ا یارم ارداد و ن و پاس ارم

وسلات و وق روزا و ن بی ان رواران رازر گاه د حال و انام.

موضوع تحقیق حاضر توصیف، بررسی و تحلیل جنبه‌های اخلاقی و تربیتی شعر دوره‌ی مشروطه است که کمتر مورد بحث قرار گرفته است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است و شامل چهار فصل می‌باشد. در فصل اول، مسائل کلی اخلاق و ادبیات و مبحث اخلاق در انواع ادبی و نوع تعلیمی بررسی شده است. در فصل دوم، ضمن اشاره‌ای کوتاه به جنبش مشروطیت، شعر این دوره با ویژگی‌ها و درون مایه‌هایش مورد بحث قرار گرفته است. در فصل سوم ده شاعر برجسته‌ی این دوره معرفی شده‌اند و در فصل پایانی که هدف اصلی تحقیق است، بیش از هفتاد فضیلت و رذیلت اخلاقی در شعر ده شاعر معرفی شده در فصل سوم، بررسی شده و در موارد لازم تعاریف، آیات و احادیث مرتبط با این فضائل و رذائل ارائه شده است. در نهایت نیز با ارائه‌ی جداول و آماری، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی شده است و مشخص گردید که بسیاری از شاعران دوره‌ی مشروطه علاوه بر آنکه استعمارستیز بودند، ولی‌ار پیشرفت‌های کشورهای استعماری که بر اثر علوم جدید حاصل شده بود، غافل نبودند و با مقایسه‌ی پیشرفت‌های این کشورها و زوال تاریخی ایران، مخاطبان را به فراگیری علوم جدید ترغیب می‌کردند. علاوه بر علم در جای‌جای دیوان‌های شاعران این دوره مباحث اخلاقی از قبیل قناعت، عفت، تواضع، مهربانی، بلند همتی و ... جلب نظر می‌کند و این گونه نیست که مسایل سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آنان را از طرح مسایل اخلاقی باز دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شعر فارسی، شاعران مشروطه، مضامین شعر مشروطه، ادب تعلیمی و شعر اخلاقی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	.....	مقدمه
۲	.....	عنوان تحقیق
۲	.....	موضوع تحقیق
۲	.....	زمینه، سابقه و تاریخچه‌ی موضوع تحقیق
۳	.....	اهداف تحقیق
۳	.....	اهمیت و ارزش تحقیق با تأکید بر کاربرد و نتایج آن
۴	.....	فرضیه‌ها و سؤال‌های ویژه
۴	.....	روش انجام تحقیق
۵	.....	<b>فصل اول: کلیات</b>
۶	.....	اهمیت علم اخلاق
۷	.....	تعریف اخلاق
۹	.....	امکان تغییر اخلاق
۱۴	.....	تربیت
۱۵	.....	تعریف تربیت
۱۶	.....	ادبیات و تعریف آن
۱۹	.....	وظیفه‌ی ادبیات
۲۳	.....	رابطه‌ی اخلاق و ادبیات
۲۷	.....	اسلام و شعر
۲۸	.....	شاعر و جهان آرمانی
۳۰	.....	انواع ادبی
۳۰	.....	انواع ادبی چیست؟
۳۳	.....	ادبیات تعلیمی
۳۷	.....	<b>فصل دوم: جنبش و ادب مشروطه</b>
۳۸	.....	نهیضت مشروطیت
۴۴	.....	زمینه‌های تغییرات تاریخی و سیاسی

۴۶	وضعیت ادبی در جنبش مشروطه (اواخر دوره ناصری و سالهای پیش از مشروطه).....
۴۷	شعر مشروطه.....
۴۹	ویژگی های شعر مشروطه.....
۵۵	شکل و قالب شعر دوره مشروطه.....
۵۸	درون مایه و محتوای شعر مشروطه.....
۶۰	ویژگی ها و وضعیت عمومی ادبیات پیش از مشروطه در جریان نهضت مشروطه خواهی.....
۶۳	<b>فصل سوم: معرفی اجمالی شاعران برجسته ی دوره ی مشروطیت</b> .....
۶۴	شاعران دوره ی مشروطیت.....
۶۶	معرفی اجمالی شاعران دوره ی مشروطه.....
۶۶	ادیب پیشاوری.....
۶۷	شعر ادیب پیشاوری.....
۶۸	ادیب الممالک فراهانی.....
۶۹	شعر ادیب الممالک.....
۷۰	ادیب نیشابوری.....
۷۰	شعر ادیب نیشابوی.....
۷۱	سید اشرف الدین حسینی.....
۷۲	آثار سید اشرف الدین.....
۷۲	شعر سید اشرف الدین.....
۷۴	ایرج میرزا.....
۷۶	شعر ایرج میرزا.....
۷۷	دهخدا.....
۷۹	آثار دهخدا.....
۸۰	شعر دهخدا.....
۸۱	عارف قزوینی.....
۸۱	شعر عارف قزوینی.....

۸۳	ملک الشعراء بهار.....
۸۵	آثار بهار.....
۸۵	شعر بهار.....
۸۸	فرخی یزدی.....
۹۱	شعر فرخی یزدی.....
۹۲	میرزاده‌ی عشقی.....
۹۳	آثار عشقی.....
۹۴	شعر عشقی.....
۹۶	<b>فصل چهارم: بررسی اشعار اخلاقی در شعر شاعران برجسته‌ی دوره‌ی مشروطه</b> .....
۹۷	مقدمه.....
۹۸	علم جویی.....
۱۱۵	قناعت.....
۱۱۶	حرص و آز.....
۱۲۵	عفت و حجاب.....
۱۳۳	کبر، عجب و تواضع.....
۱۴۰	صدق و راستی، دروغ و ناراستی.....
۱۴۵	بلند همّتی.....
۱۴۸	مهربانی به مردم و احترام و اکرام زیردستان.....
۱۵۰	قبح شرابخواری.....
۱۵۴	هوی و هوس.....
۱۵۷	غرور.....
۱۶۰	احسان و نیکی به والدین و اعضای خانواده.....
۱۶۴	رشوه.....
۱۶۷	حسد.....
۱۷۰	خوی خوش.....

۱۷۲	غیرتمندی.....
۱۷۵	یکرنگی.....
۱۷۶	خشم و شهوت.....
۱۷۹	انصاف.....
۱۸۰	نیکنامی.....
۱۸۱	عدم فحاشی.....
۱۸۳	عدم ریا.....
۱۸۵	دورویی و نفاق.....
۱۸۶	اغتنام فرصت (وقت شناسی).....
۱۸۸	تملق و چاپلوسی.....
۱۹۱	نیاز و احتیاج.....
۱۹۲	جود و سخاوت.....
۱۹۴	کینه.....
۱۹۵	وفای به عهد و پیمان.....
۱۹۶	مکر و فریب.....
۱۹۷	صبر و شکیبایی.....
۱۹۹	بدی کردن.....
۲۰۰	نیکی کردن.....
۲۰۱	خوی بد.....
۲۰۲	خاموشی و سکوت.....
۲۰۴	عدم همنشینی با بدان و فرومایگان.....
۲۰۵	عدم خودخواهی و خویشن بینی.....
۲۰۶	عیب جویی.....
۲۰۸	پستی و فرومایگی.....
۲۰۸	مَنّت دیگران را نپذیرفتن.....



- ۲۰۹ ..... مشورت
- ۲۱۰ ..... تکریم استاد و معلّم
- ۲۱۱ ..... یاد مرگ
- ۲۱۳ ..... سوگند دروغ
- ۲۱۴ ..... بهتان
- ۲۱۵ ..... عدم استهزاء
- ۲۱۶ ..... نرم سخن گفتن
- ۲۱۷ ..... سنجیده سخن گفتن
- ۲۱۸ ..... نگفتن راز با مردم نادان و یاوه گو
- ۲۱۸ ..... عدم عشق مجازی
- ۲۱۹ ..... گذشت و عدم انتقام
- ۲۲۰ ..... شرافت
- ۲۲۰ ..... نخوردن مال مردم
- ۲۲۱ ..... عدم تن پروری و تنبلی
- ۲۲۲ ..... دعوت به ترک استعمال موادّ مخدر
- ۲۲۳ ..... دعوت به پندار، گفتار و کردار نیک
- ۲۲۴ ..... پرهیز از هجو دیگران
- ۲۲۴ ..... دعوت به صلح و آشتی
- ۲۲۵ ..... عدم کم فروشی
- ۲۲۶ ..... اظهار حرف حق
- ۲۲۶ ..... آدم نکشتن و نفس نپرستیدن
- ۲۲۷ ..... تکریم مهمان
- ۲۲۷ ..... شکر نعمت‌ها
- ۲۲۸ ..... دعوت به کارهای بزرگ
- ۲۲۸ ..... حق شناسی

- ۲۲۹ ..... دوری از اهل نجوا
- ۲۲۹ ..... عدم خودستایی
- ۲۳۰ ..... تکریم بزرگان
- ۲۳۰ ..... عدم سوء ظن
- ۲۳۰ ..... گمان نیک
- ۲۳۱ ..... توکل
- ۲۳۲ ..... عدم سعایت و سخن چینی
- ۲۳۲ ..... عدم خودرأیی و خود سری
- ۲۳۳ ..... ذکر خداوند
- ۲۳۴ ..... جمع بندی
- ۲۴۱ ..... فهرست منابع و مأخذ

اخلاق و تربیت همواره یکی از رسالت‌های شعر و نثر فارسی بوده به طوری که بعضی از صاحب‌نظران ادبیات را ابزاری برای تبلیغ و گسترش مفاهیم اخلاقی و تربیتی دانسته‌اند و اکنون نیز جلوه‌هایی از آن در ادبیات انعکاس دارد.

برخی از شعرا و نویسندگان بیشتر به موضوعات اخلاقی پرداخته‌اند و در اشعار و نوشته‌های برخی دیگر به صورت متناوب موارد اخلاقی و تربیتی گوشزد شده‌است. در حقیقت اخلاق و تربیت را نمی‌توان در شعر شاعرانی خاص یا دوره‌ای خاص منحصر کرد و همه‌ی ادوار تاریخ ادبیات این مرز و بوم سرشار از نکات اخلاقی و تربیتی است.

در این تحقیق سعی شده‌است این نکات در اشعار شاعران مشهور دوره‌ی مشروطه، بررسی، توصیف و تحلیل گردد و در موارد ضروری با موازین قرآن کریم و احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام تطبیق داده و احیاناً نقد یا مقلّمات آن فراهم شود.

هدف از انجام این تحقیق شناخت بهتر اغراض و مقاصد شعری شاعران این دوره و بررسی موضوعات مختلف اخلاقی دوره‌ی مشروطه است و این که بدانیم شاعران چه کارکردهایی از این نوع اخلاقی در نظر داشتند و کدام یک در این زمینه موفق‌تر بوده‌اند. موضوع دیگری که هدف این تحقیق می‌باشد این است که چه مسائلی بیشتر به عنوان مسایل اخلاقی مورد توجه شعرا این دوره بوده و چه بسامدی داشته‌است.

هدف ثانوی این تحقیق نیز بهره‌برداری معرفتی و عملی همه‌ی طبقات و مخاطبان بویژه صاحبان قدرت و سیاست، نویسندگان و شعرا از جنبه‌های اخلاقی \_ تربیتی اشعار دوره‌ی مزبور است.

می‌دانیم که دوره مشروطیت یکی از دوره‌های پر تنش تاریخ ایران زمین بوده‌است و بسیاری از مردم درگیر دعوای سیاسی بوده‌اند به گونه‌ای که کم‌تر قشری را می‌توان یافت که از این مسایل و تنش‌ها دور بوده‌باشد. به جز نویسندگان این دوره که در اغلب نوشته‌های خویش به مسایل سیاسی پرداخته‌اند، شاعران نیز که به دو دسته‌ی سنت‌گرا و مردمی تقسیم می‌شدند به بحث‌های سیاسی و

اجتماعی دوره‌ی خویش پرداخته‌اند و گاه همدیگر و گاه دیگران را با زبان هجو و هزل مورد نقد یا حمله قرار داده‌اند.

کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در بررسی شعر دوره‌ی مشروطیت به جنبه‌های اخلاقی و تربیتی آن پرداخته‌باشد و مسایلی که معمولاً در تحقیقات ادبی به آن پرداخته می‌شود عبارتند از: آزادی، قانون، وطن، زن، استبداد و...

ویژگی این تحقیق این است که از منظر اخلاق و تربیت به شعر این دوره می‌پردازد، به این امید که رضایت حضرت حق را فراهم کرده و در حوزه‌های مختلف ادبی، اجتماعی و اخلاقی مورد استفاده‌ی عموم قرار گیرد.

### عنوان تحقیق:

توصیف و تحلیل جنبه‌های اخلاقی و تربیتی شعر دوره‌ی مشروطه

### موضوع تحقیق:

بررسی، توصیف و تحلیل جنبه‌های اخلاقی و تربیتی اشعار شاعران مشهور دوره‌ی مشروطیت و تطبیق و نقد اخلاقی آن در ترازوی آیات اخلاقی و تربیتی قرآن مجید و احادیث پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع).

### زمینه، سابقه و تاریخچه‌ی موضوع تحقیق:

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که جنبه‌های اخلاقی و تربیتی شعر دوره‌ی مشروطه به صورت نظام‌مند، توسط هیچ محقق‌ی مورد بررسی قرار نگرفته‌است و کم‌تر کسی به بحث اخلاق و تربیت در شعر دوره‌ی مزبور پرداخته‌است. در این تحقیق سعی شده است ضمن بهره‌گیری از دیوان‌های شاعران مشهور این دوره، با استفاده از منابعی چون از صبا تا نیما (سه جلد) از یحیی آرین‌پور، سنت و نوآوری در شعر معاصر از قیصر امین‌پور، بررسی ادبیات امروز ایران از دکتر محمد استعلامی، فرهنگ اصطلاحات ادبی از خانم سیما داد، ترجمه الشریعه‌ی ملا محسن فیض کاشانی، بهشت اخلاق (دوجلد) از مهدی نیلی‌پور، کیمیای سعادت و احیاء علوم الدین محمد بن محمد غزالی، اخلاق

ناصری به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، انواع ادبی دکتر سیروس شمیسا، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی تألیف دکتر حسین رزمجو، نقد ادبی دکتر زرین کوب، ادوار شعر فارسی دکتر شفیعی کدکنی و به ویژه قرآن حکیم ونهج البلاغه و ... به بررسی مباحث مزبور پرداخته شود.

#### اهداف تحقیق:

ادبیات هر دوره‌ای شامل جنبه‌های مختلف است. یکی از جنبه‌هایی که گاه مطمح نظر شعرا بوده، جنبه‌های اخلاقی \_ تربیتی است، به گونه‌ای که برخی از شاعران به دلیل توجه به این جنبه‌ها شهرت یافته‌اند.

هدف این تحقیق، بررسی، تحلیل و تبیین این موضوع (جنبه‌های اخلاقی و تربیتی) در شعر دوره‌ی مشروطه است. دوره‌ای که دعوای سیاسی رایج، برخی را به سمت سرودن اشعار غیر اخلاقی سوق داده و برعکس برای برخی دیگر عاملی گردیده‌است تا به سرودن شعرهای اخلاقی بپردازند.

#### اهمیت و ارزش تحقیق با تأکید بر کاربرد نتایج آن

با توجه به این که در این موضوع مشخص، فعالیت و تحقیق در خور توجهی انجام نگرفته - است، این تحقیق می‌تواند جایگاه مسایل اخلاقی را در دوره‌ی پر آشوب مشروطیت که بیشتر به منازعات سیاسی پرداخته می‌شود، مشخص کند و نتایج آن می‌تواند دستمایه‌ی شناختن و شناساندن شعر فارسی و مضامین اخلاقی آن در این دوره‌ی تاریخی و مهم ادبی و سیاسی کشورمان باشد و علاوه بر آن در مقایسه نیز برای شناخت این نوع شعر در دوره‌های دیگر تاریخ ادب ما به کار آید و به معرفی بهتر قالب‌ها و انواع شعر تعلیمی - اخلاقی کمک کند و در نهایت، هم ادبا و محققان مختلف را به کار آید و هم از جنبه عبرت آموزی مفید گردد.

#### فرضیه‌ها یا سؤال‌های ویژه:

۱- ویژگی‌های ادبیات دوره‌ی مشروطه چیست ؟

۲- عوامل تأثیر گذار بر موضوعات و انواع و قوالب شعر دوره‌ی مشروطه کدامند؟

۳- در ادبیات این دوره به کدام یک از جنبه‌های اخلاقی و تربیتی بیشتر توجه شده و چرا؟

۴- کدام یک از شعرای دوره‌ی مشروطه بیشتر به جنبه‌های اخلاقی توجه داشته‌اند؟ و چرا؟ و چه

دسته - بندی‌هایی از شعر اخلاقی این دوره می‌توان به دست داد؟

### روش انجام تحقیق:

روش انجام این تحقیق، کتابخانه‌ای است، به این صورت که پس از بررسی اجمالی جنبه‌های اخلاقی و تربیتی و تعریف این جنبه‌ها با استفاده از آیات، احادیث و کتب اخلاق، موضوع به صورت تفکیکی در اشعار شاعران معروف این دوره بررسی، یادداشت برداری و سپس دسته‌بندی، مقایسه، تحلیل و تدوین می‌شود.

فصل اوّل:

کلیات!!

## اهمیت علم اخلاق

بدون شک اخلاق و مباحث مربوط به آن در بین مسلمانان و در آیین اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ به چند دلیل: نخست آن که اخلاق از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام به شمار می‌آید و عامل پیوند انسان به پروردگار بزرگش می‌باشد.

این پیوند، بزرگ‌ترین کمال آدمی است، تمامیت کمالات انسان بدان وابسته است و آدمی کامل نمی‌گردد، مگر آن‌که در مسیری گام بردارد که خدای متعال برای او ترسیم کرده‌است.

دیگر، آن که آیین مقدس اسلام در تمامی زمینه‌ها، جز با شیوهی اخلاقی که این دین پاینده برآن استوار است، تمام و کمال نمی‌گردد.

دلیل دیگر آن‌که علم اخلاق از دانش‌هایی است که به انسان و حالات گوناگون او و سایر علوم و معارف انسانی، اهتمام می‌ورزد.

علم اخلاق از فضیلت‌ها و مکارم انسانی، چگونگی به دست آوردن آن‌ها و نحوه‌ی آراستن نفس به آن صفات نیک سخن می‌گوید. همچنین از رذیلت‌ها و صفات ناپسند و چگونگی دوری جستن از آن‌ها و بازداشتن نفس از آلوده شدن به آن صفات و نیز آثار گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنها بحث و گفتگو می‌کند. (اخلاق و شؤونات حکمت عملی، حسین مظاهری، ص ۱۲)

تردیدی نیست که همه انسان‌ها خواهان نیک بختی و سعادت می‌باشند و برای رسیدن به این هدف بزرگ راهی جز تزکیه، تصفیه و تهذیب نفس؛ یعنی کسب مکارم و فضایل و دوری از رذایل اخلاق وجود ندارد. در فضیلت اخلاق و مباحث آن همین اندازه اشاره کنیم که قرآن کریم، این مطلب را با یازده سوگند بدیع، تصریح و تأیید کرده است: «والشمس وضحیها... قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» (شمس، ۱-۱۰)

یعنی «به راستی رستگار شد آن کس که نفس خویش را از آلودگی‌ها پاک کرد و زیانکار شد آن کس که خود را آلوده ساخت».



در جای دیگر از قرآن مجید، خداوند فلسفه‌ی بعثت خاتم پیامبران (ص) را تعلیم و تربیت و تزکیه‌ی انسان‌ها بر شمرده‌است و می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (ه جمعه، ۲)

یعنی «او خدایی است که در میان عرب امّی، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان بخواند و آنان را از پلیدی‌ها و زشتی‌ها منزّه سازد و کتاب و حکمت به آن‌ها بیاموزد، اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند».

امام زین العابدین (ع) نیز از رسول خدا (ص) روایت کرده‌است که فرمود: «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا» (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۵)

یعنی «من از طرف خدا برای مکارم و محاسن اخلاق مبعوث شده‌ام».

امیرالمؤمنین، علی (ع) نیز بر اهمّیت تهذیب نفس تأکید فرموده و رعایت آن را مایه‌ی خوشبختی انسان دانسته است و می‌فرماید:

«لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُوا جَنَّةً وَلَا نَخْشَى نَارًا وَلَا ثَوَابًا وَلَا عِقَابًا لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطَّالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ» (مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۳۸۳)

یعنی «بر فرض که امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشتیم، باز شایسته آن بود که ما در پی مکارم اخلاق باشیم، زیرا خوشبختی و سعادت را از این طریق می‌توان به دست آورد. (نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، صص ۱۲ - ۱۱)

### تعریف اخلاق

واژه‌ی «اخلاق» جمع خُلُق و خُلُق شکل درونی انسان است، چنان که خُلُق شکل ظاهری و صوری اشیاست. غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است، اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خَلَقِیَات ناشی گردد نیز اخلاق یا رفتار اخلاقی می‌گویند.

دهخدا، خُلُق را خوی، عادت و مروّت معنا می‌کند و اخلاق را خوی‌ها، خواه نیک و خواه بد می‌داند. (لغت‌نامه)

حسن انوری نیز در فرهنگ بزرگ سخن، خُلُق را به شرح زیر معنا می‌کند:

۱- مجموعه ویژگی‌های روانی و رفتاری، واکنش عاطفی و رفتاری در برابر دیگری، خوی، خصلت ۲- (مجاز) خوی نیکو، اخلاق خوب

و اخلاق را

۱- مجموعه‌ی عادت‌ها و رفتارهای پذیرفته‌شده میان مردم یک جامعه

۲- وضع روحی و رفتاری شخص، رفتار، خُلُق و خوی

۳- خوی‌های پسندیده، رفتار شایسته و پسندیده

۴- (فلسفه) شناخت و بررسی ارزش‌هایی مانند خوبی، بدی، حق و وظیفه می‌داند.

معنای لغوی واژه‌های «خُلُق» و «اخلاق» در اغلب فرهنگ‌ها نزدیک به هم است، اما از نظر اصطلاحی، تعاریف و معانی مختلفی از این واژه‌ها ارائه شده‌است.

یکی از کسانی که به تعریف اخلاق پرداخته‌است، زین الدّین محمد بن محمد بن محمد غزالی طوسی، معروف به «ابوحامد غزالی» و ملقب به «حجت الاسلام»، از برجسته‌ترین اندیشمندان ایرانی و مسلمان است.

غزالی چندین تعریف از اخلاق ارائه می‌دهد، اما همه‌ی این تعریف‌ها نزدیک به هم است و در یک خط قرار دارد و آن اصرار دائمی بر تفکیک میان اخلاق نیک و اخلاق بد است. شاید دقیق‌ترین این تعاریف، تعریفی است که وی در *احیاء علوم الدّین* ذکر کرده است. وی بعد از بیان آن که اخلاق صورت باطنی انسان است می‌گوید:

«اخلاق عبارت از هیأتی / ملکه‌ای راسخ در نفس است که به آسانی و بدون نیاز به فکر و تأمل از آن صادر می‌شود. حال اگر این هیأت به گونه‌ای باشد که کارهای نیک و پسندیده - عقلاً و شرعاً -

از آن صادر شود، آن اخلاق نیکوست و اگر آنچه از آن صادر می‌شود، افعال زشت باشد، خوی بد نامیده می‌شود. اما این که گفتیم ملکه‌ای راسخ از آن روست که کسی که به ندرت و آن هم برای نیازی که عارض شده، بذل و بخشش می‌کند و این صفت در او رسوخ نیافته، نمی‌گویند او سخاوت دارد. هم‌چنین آسانی و عدم نیاز به اندیشه را شرط کردیم؛ زیرا کسی که با زحمت بذل و بخشش می‌کند، گفته نمی‌شود سخاوت دارد. نمی‌گویند سخاوت یا حلم دارد.» (احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۵۳)

حق آن است که غزالی با این تعریف از تعریف‌های معاصران خود از اخلاق - با وجود تعدد و تفاوت آن‌ها - چندان دور نشده‌است؛ زیرا وی دیدگاهش نسبت به اخلاق را بر اندیشه‌ای بنیادین متمرکز کرده‌است که فعل اخلاقی بر آن مبتنی است و از آن صادر می‌شود. البته مقصود، فعل اخلاقیِ عرضی نیست چرا که به نسبت ناپایداری سبب نمی‌گردد که فاعل آن را فردی دارای آن اخلاق خاص بدانیم. هم‌چنان که تفکر زیاد و خود را به سختی انداختن برای انجام فعل اخلاقی نیز کافی نیست تا صاحب آن فعل را دارای فلان اخلاق خاص بدانیم.

بر اساس تعریفی که غزالی ارائه می‌دهد، برای فعل اخلاقی چهار شرط قایل می‌شود:

(الف) کار خوب و زشت / بد

(ب) توانایی بر انجام آن

(ج) شناخت کار خوب و زشت / بد

(د) ملکه‌ای در نفس که به یکی از دو فعل تمایل دارد و یکی از آن دو برایش آسان است. (همان)

بدین ترتیب مشخص می‌شود که این چهار شرط برای فعل اخلاقی ملازم و مکمل یکدیگرند. نخستین آنها وجود دو فعل / کار خوب و زشت است. دومین شرط، توانایی انسان بر انجام آن دو، سومین شرط، شناخت او از کاری که انجام می‌دهد و بالاخره خود فعل اخلاقی که مهم‌ترین شرط است. فعلی که صدور آن باید بدون تفکر و تأمل صورت بگیرد؛ یعنی به صورت خودکار و خود به خود. از این روست که غزالی می‌گوید: «اخلاق همان فعل اخلاقی نیست؛ زیرا چه بسا شخصی که خوی او سخاوت است، اما به جهت نداشتن مال یا مانع دیگری، بخششی ندارد. شاید هم بخل داشته باشد و به دلیلی یا برای ریا، بذل و بخشش کند. هم‌چنین اخلاق توانایی هم نیست؛ زیرا نسبت توانایی

فرد به بخل یا سخاوت، بلکه حتی نسبت به دو چیز ضد، یکسان است. هر انسانی فطرتاً به گونه‌ای آفریده شده است که می‌تواند سخاوت داشته باشد یا نه و صرف توانایی موجب بخل یا سخاوت نمی‌شود. اخلاق هم چنین خود شناخت هم نیست؛ زیرا شناخت به یکسان، هم به کار خوب تعلق می‌گیرد، هم به کار بد. پس اخلاق همان معنی چهارم است؛ یعنی ملکه‌ای که به واسطه‌ی آن نفس آماده می‌شود تا از آن بخل یا بذل و بخشش صادر شود. بنابر این اخلاق ملکه نفسانی و صورت باطنی آن است.» (همان)

### امکان تغییر اخلاق

یکی از بحث‌های مهم در اخلاق «تهذیب اخلاق» است. سخن از امکان تغییر دادن اخلاق و تهذیب آن با این پیش فرض است که درجات اخلاق متفاوت است و اخلاق عالی و اخلاق پست داریم که این تهذیب هدفش آن است که انسان را به سوی اخلاق بهتر و برتر هدایت کند. پیش از سخن گفتن درباره‌ی تغییر اخلاق و تهذیب آن، باید اخلاق نیک را که غزالی غایت مطلوب از تهذیب اخلاق می‌داند، بشناسیم.

غزالی از تعریف‌های فراوانی که علما، فقها و ادبا درباره‌ی اخلاق نیک گفته اند، قانع نشده است؛ زیرا به نظر او این تعاریفات حقیقت و کنه اخلاق نیک را نتوانسته است بیان کند و تنها ثمره‌ی اخلاق نیک را تبیین کرده است. مثلاً در تعریف اخلاق نیک گفته شده است: «اخلاق نیک، گشادگی چهره، بذل مال و خودداری از آزار است.» یا گفته شده: «اخلاق نیک راضی کردن خلق در خوشی و ناخوشی است.» (همان، صص ۵۲-۵۳) و تعاریفات بی‌شمار دیگری که بنا به گفته‌ی غزالی ثمرات اخلاق نیک را بیان می‌کنند. این امر سبب شد که غزالی ناگزیر از تعریفی دیگر از اخلاق شود و برای تعریف اخلاق نیک، نخست اخلاق را به طور کلی تعریف و آن گاه ماهیت اخلاق نیک را ذکر می‌کند. غزالی می‌گوید:

«اخلاق عبارت است از ملکه‌ی نفسانی و صورت باطنی نفس و همان طور که زیبایی شکل ظاهری انسان تنها با زیبایی چشم‌ها محقق نمی‌شود و حتماً باید بینی و دهان و گونه هم زیبا باشند، بلکه همه‌ی اعضا باید زیبا باشند تا زیبایی ظاهری محقق شود، هم چنین در باطن نیز چهار رکن باید باشد تا اخلاق نیک و زیبا به دست آید. اگر این چهار رکن متعادل باشند، اخلاق نیک به دست می‌آید. این چهار رکن